

نحوه طراحی فرضیه با تاکید بر پژوهش های قرآنی

کامیار صداقت ثمر حسینی
دانشجوی مقطع دکترای اندیشه سیاسی

چکیده

این نوشتار به بررسی چگونگی طراحی فرضیه در پژوهش های قرآنی پرداخته و بر این نکته، تاکید می نماید که یک فرضیه خوب، باید دارای این ویژگی ها باشد:

۱. وحدت رویه با پرسش تحقیق داشته باشد.
۲. جمله خبری مثبت باشد.
۳. شفاف و ساده بیان شده باشد.
۴. به صورت هدفمند از اصطلاحات علمی استفاده نماید.
۵. در قالب روشی مناسب تعریف شده باشد.
۶. در پژوهش های تحلیلی، متضمن روابط علی و معلولی باشد.
۷. (بنا بر متغیرهای مکمل) به میزان کافی از فرضیه استفاده شود.

در ادامه برخی نکات در زمینه ساخت یک فرضیه مناسب با تحقیقات قرآنی بیان شده و به چند شیوه بیانی طرح فرضیه به همراه دهها مثال عملی، اشاره شده است.

کلید واژه ها: فرضیه، ظن، پژوهش تحلیلی، پژوهش توصیفی، پژوهش مقایسه‌ای

مقدمه:

«فرضیه» همان «ظن» در مفهوم منطقی است. ابن سینا، ظن حقیقی را عبارت از اعتقاد به وجود حالتی برای چیزی می‌داند که می‌تواند به آن حالت نباشد.^۱ معادل واژه فرضیه در زبان انگلیسی Hypothesis می‌باشد که متشکل از دو جزء است: Hypo به معنای «کمتر از»، «کم اعتبارتر از» و Thesis به معنای «اصل» و «نظریه» می‌باشد.^۲

در مقابل ظن، «علم» قرار می‌گیرد که بر امری صد درصد، دلالت می‌نماید. ما در بسیاری از پژوهش‌ها، به دنبال تبدیل ظن خود به یقین می‌باشیم. مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: «کلمه ظن به معنای تصدیق بیش از پنجاه درصد و نرسیده به صد درصد است، زیرا که اگر به درجه صد در صد برسد، جزم و قطع می‌شود... و کلمه علم همچنان که گفتیم به معنای احتمال صد درصد است، به طوری که حتی یک درصد هم، احتمال خلاف آن داده نمی‌شود.»^۳

زمانی که عبارت «به نظر می‌رسد که...» را می‌خوانیم، با نوعی ظن سر و کار داریم. حال؛ اگر ما با پژوهش درباره مسأله به علم برسیم از وضعیت فرضیه، خارج شده ایم. این امر با «فرض‌گروی» در علم Science به معنای غربی آن که منجر به دگرگونی پیوسته و انکار یقین می‌گردد، به کلی متفاوت است.^۴ بهتر است که مسأله را با بیان چند نکته، روشن نماییم:

الف - فرضیه تحقیق بیانگر این مسأله است که «محقق» تا اندازه‌ای از موضوع «مطلع» است اما این اطلاع، مفید یقین نمی‌باشد. او می‌تواند بگوید که بیش از پنجاه درصد، احتمال می‌دهم اما نمی‌تواند از آن، در قالب یقین (امری صد درصد) صحبت نماید.

ب - از نکته بالا مشخص می‌شود که فرضیه در حلاء شکل نمی‌گیرد و برای ایجاد یک احتمال با درصد بالا، نیازمند انجام مطالعه هستیم. (و اشتباه دانشجو این است که بدون یک مطالعه اولیه، در صدد پاسخ فوری به آن می‌باشد).

ج - فرضیه، تنها به شیوه‌ای به یقین مبدل می‌شود که بر پایه روش علمی مناسب خود، مورد بررسی قرار گیرد. این بدان معناست که نمی‌توان، ظن خود در زمینه موضوعی تفسیری را از راهی غیر از روش تفسیری قرآن به یقین مبدل ساخت. به عنوان مثال، نمی‌توان بر اساس کشفیات علم نجوم به تفسیر آیات الهی پرداخت. در حالی که علم Science در تفسیر دوران تجدد غرب، متأثر از تفسیر خاصی از واژه واقع Fact به معنای چیزی با قوام و اساس عینی است که نتیجه آن «حصر علم در روش‌های عینی» می‌باشد. این امر، یا تفسیر علم در سنت‌های مطالعات اسلامی که متوجه مراتب مختلف وجود است، کاملاً متفاوت است.^۵

د - توجه داشته باشیم که هیچ‌گاه آیات قرآن کریم و یا سخن معصوم (علیهم السلام) را با عناوینی چون فرضیه، قانون علمی، تئوری و نظایر آن، نباید تعبیر نماییم.

ح - در ادامه بیان خواهیم نمود که برخی از پژوهش‌ها، نیازی به فرضیه ندارند. پژوهش از پرسش آغاز می‌شود و پیش‌تر بیان نمودیم که پرسش تحقیق به مانند یک قطب نما، جهت ادامه کار را به ما نشان می‌دهد. پس از طرح پرسش، باید به شکلی روشمند به آن، پاسخی «اولیه» داد. این پاسخ، همان «فرضیه» پژوهش است. پس فرضیه، پاسخ موقتی به پرسش تحقیق است که احتمال صحت آن، داده می‌شود. گاه، لازم است که با وجود علم از زاویه یک فرضیه یا مخاطب خود وارد پژوهش شده و گام به گام «جهل» و یا «فرضیه» او را تبدیل به علم، نماییم. نمونه‌ای از آن را، می‌توان در کتاب شریف «المراجعات» یافت. مرحوم شیخ «سلیم بشری» از مرحوم شرف الدین، می‌خواهد تا برای اثبات مطالب خود از سخنان اهل بیت علیهم السلام دلیل نیآورد. زیرا - از دید او - این امر در قبال مخالفان مذهب اهل بیت، مستلزم دور است،^۲ لذا مرحوم شرف الدین با وجود اثبات سخنان خود از طریق مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، باید آن را از طریق مکتب خلفاء نیز، ثابت نماید. تلاش او، نمونه‌ای عالی از یک پژوهش دینی را در اختیار ما، نهاده است. توجه داشته باشیم که همواره در قالب گفتگوهای بین ادیان و مذاهب، نیازمند نوعی زبان استدلالی قابل فهم برای طرف مقابل به جهت تبدیل ظن او به علم هستیم. از این رو و به رغم وجود «علم»، خود را به شکل «ارادی» در معرض «فرضیه»، قرار می‌دهیم.

ویژگی‌های یک فرضیه خوب:

هر جمله‌ای را نمی‌توان فرضیه نامید. اینکه چگونه به پرسش‌های خود پاسخ داده و در ادامه به بررسی علمی آن پاسخ بپردازیم، موضوع کم‌اهمیتی نبوده و نحوه عمل ما در این زمینه، بیانگر شخصیت علمی ماست. از این رو، این بخش را به بیان برخی معیارهای شکلی و محتوایی در طراحی فرضیه، اختصاص می‌دهیم. ویژگی‌های یک فرضیه خوب در پژوهش‌های دینی چیست؟

۱- فرضیه، باید پاسخ صریح پرسش تحقیق باشد.

در پژوهش خود، همواره به اصل «وحدت رویه» توجه نمایید. آیا فرضیه شما پاسخی متناسب با پرسش تحقیق شماست؟ به عنوان مثال، این پرسش را در نظر بگیرید: انواع جهاد از دیدگاه قرآن کدام است؟ (پاسخ): قرآن به عنوان کتاب هدایت به بیان ریشه‌های جنگ در ابعاد فردی و اجتماعی پرداخته است. آیا این پاسخ، بر طرف‌کننده مجهول پرسش ماست؟ آیا در آن «انواع جهاد از دیدگاه قرآن»، یک به یک شمرده شده است؟ مشاهده می‌کنیم که نه تنها پاسخ فوق با

پرسش محقق، نسبتی ندارد بلکه در آن واژه «جهاد» به واژه غیر تخصصی «جنگ»، برگردانده شده است. عدم رعایت وحدت رویه در پژوهش، منجر به «از هر دری صحبت کردن» محقق می‌شود. آیا، اینگونه پاسخ دادن به پرسش‌ها، منجر به گسترش معارف دینی می‌شود؟

۲- فرضیه باید به صورت یک جمله خبری و به صورت مثبت، بیان شود.

فرضیه یک عبارت مصدری، یک جمله پرسشی یا تعجبی نیست. فرضیه اصلی، باید جهت دار Directional و در اسلوب مثبت، طراحی شود. فرضیه «اصلی» خود را به صورت منفی، بیان ننماید. فرضیه منفی در برابر فرضیه اصلی، طراحی می‌شود.

مثال:

* میان نحوه بهره برداری از مآخذ فقهی و اختلاف نظر در قضاوت قضات اسلامی، رابطه علی موجود است.

* قراءات قرآن بر تطور مطالعات علم نحو، تاثیرگذار بوده است.

* میان توبه و اسقاط حدود در فقه اسلامی، رابطه علی، موجود است. (این مطالعه، می‌تواند به صورت مقایسه ای در مذاهب مختلف اسلامی، صورت پذیرد.)

توجه:

فرضیه، می‌تواند در اسلوب شرطی: اگر پس - و یا هرچه بیشتر / کمتر - پس بیشتر / کمتر و نظایر آن (در قالب قانون علمی محدود شده) استعمال شود.

مثال:

* (باتوجه به تجربه دوران اوج و افول صفویه) هرچه وحدت فرهنگی جامعه ای افزایش یابد، به همان میزان بر انسجام اجتماعی آن جامعه، افزوده خواهد شد.

این نمونه‌ها، فرضیه محسوب نمی‌شوند:

«بررسی علل پیدایش اختلاف در تفسیر قرآن»

«میزان تاکید بر امر به معروف و نهی از منکر در متون اسلامی تا چه اندازه وسیع است!»

«نهضت ترجمه در قرن سوم هجری عجب تاثیری بر رشد علم کلام داشته است!»

«آیا فهم دینی، امری عصری و سیال است؟»

اما این جمله که «اسرائیلیات بر اختلافات تفسیری مسلمانان، نقش داشته است.» به عنوان پاسخی برای پرسش پیرامون «علل اختلاف تفاسیر قرآن» با لحاظ دو عامل، قابل قبول است:

الف - باید با توجه به نکته شماره ۷ این بخش که دلالت بر کافی بودن متغیرهای فرضیه ما

دارد، متوجه بررسی عوامل تاثیرگذار دیگر بر «اختلاف تفسیری» باشیم. هیچ‌گاه در نقش یک

متغیر، چنان مبالغه ننمایید که قادر به دریافت حقیقتی غیر از آن نباشید.

ب - ضمن آنکه، توصیه می شود که نظایر این فرضیه را به شیوه ای مطرح سازید که دیگران تاکنون به آن نپرداخته و از این رو، پرسش و پاسخ شما، منجر به ظهور سلسله مباحث بنیادینی در علوم دینی گردد. مثلاً؛ مساله را از نگاه دانشمندی بررسی کنید که کمتر، مورد توجه بوده است. با توجه به آنکه بسیاری از نسخ خطی مربوط به علوم قرآنی به شکلی ناشناس در کتابخانه ها باقی مانده و نیز عدم فعالیت بایسته در زمینه مطالعات مقایسه ای علوم قرآنی در جهان اسلام، با کمی مطالعه اولیه در می یابیم که این امر، کار چندان مشکلی نخواهد بود.

۳- فرضیه باید شفاف، ساده و قابل فهم ادا شود.

از به کار بردن عبارات طولانی غیرلازم و دو پهلو در طراحی فرضیه، خودداری نمایید. در جمله بندی فرضیه از واژگان و عباراتی چون «بهتر است...»، «بدتر است...»، «شاید»، «خوب است که...» و نظایر آنها، استفاده ننمایید.

فرضیه زیر، نادرست می باشد: (از یک رساله دانشگاهی)

«با توجه به اینکه در جامعه ناگزیر از ایجاد روابط گوناگونی بین دختر و پسر هستیم و با عنایت به مسائلی که مبنی بر آزادی روابط به وجود آمده است، جامعه و خانواده باید به جوانان، آموزش های کافی را در خصوص جنس مخالف و خصوصیات روحی و جسمی آنها بدهند تا جوان با آگاهی کامل و با احترام گذاشتن به شخصیت فرد مقابل، بهترین رابطه که همان رابطه آگاهانه و محترمانه است را داشته باشند تا شاهد بروز ناهنجاری های اجتماعی نباشیم.»
به طولانی بودن متن فوق، دقت نمایید. درباره عدم دقت نویسنده در تمرکز بر اصطلاحات تخصصی، توجه کنید.

به روان نبودن جملات، توجه نمایید. شکلی صحیحی از فرضیه در این زمینه، می تواند چنین باشد:

«هرچه معارف دینی از طریق خانواده در فرزندان «درونی» گردد، پس به همان میزان روابط میان انسان های جامعه بر پایه معیارهای دینی، گسترش خواهد یافت.»

اکنون به این فرضیه که عیناً از یک رساله دانشگاهی (با عنوان: قرآن از دیدگاه نهج البلاغه) نقل می شود، توجه نمایید:

«حضرت علی (علیه السلام) نخستین فردی بود که به خدای یگانه و به دعوت راستین پیامبر، لبیک گفت و استفاده او به توحید و نبوت و معاد ناب و خالصانه و این اعتقاد ناب در رفتار و گفتار آن حضرت، تجلی شده است. پس با احتمال صد درصد در نهج البلاغه، باید، سخنانی از

اما پیرامون اصول اساسی دین، وجود داشته باشد.»

به جهت اصلاح و ارتقاء کار خود، بر این پرسش‌ها، تأمل نماییم:

به طولانی بودن متن فوق، دقت نمایید. درباره عدم دقت نویسنده در تمرکز بر اصطلاحات

تخصصی توجه کنید. در مورد عدم تناسب فرضیه با «عنوان» پژوهش فوق، فکر نمایید.

به کلی گویی نویسنده، توجه شود. (در نهج البلاغه درباره اصول دین، سخن به میان رفته است.)

حال آنکه نویسنده می‌توانست به جای بیان این نکته واضح، وارد یکی از اصول فوق، مانند تحلیل

مفاهیم بلند «توحید» در فرمایش حضرت امیرالمومنین، شود.

در این زمینه، تأمل نمایید که آیا فرضیه نویسنده متضمن نکته جدیدی از دریای بی‌کران معارف

الهی نهج البلاغه است؟ آیا نویسنده، متوجه حل مشکلی معرفتی در جامعه بوده است؟

حال به این مثال توجه نمایید:

«نهضت ترجمه فلسفه یونان در دوران خلافت عباسی و دیگر عوامل منجر به بروز چندگونگی

در تفسیر قرآن شده است.»

این فرضیه، مبهم است. آن دیگر عوامل، کدام‌ها هستند؟ در ساخت فرضیه از استعمال واژگانی

که استنباط فرضیه را به خواننده موکول می‌نماید، خودداری نمایید. هیچ‌گاه در داخل فرضیه خود

از علامت (...) استفاده ننمایید. زیرا با این کار به خواننده اجازه می‌دهید تا به سلیقه خود، فرضیه

شمارا تفسیر نماید.

۴ - در یک فرضیه خوب از اصطلاحات علمی به شکلی «دقیق» و «هدفمند» استفاده می‌شود.

هیچ‌گاه اصطلاحات غیر تخصصی را جایگزین اصطلاحات اصلی در فرضیه ننمایید. حال به این

مثال‌ها، توجه نمایید:

عنوان یک نمونه از پژوهش‌های یکی از مراکز پژوهشی، چنین بوده است: «تحلیلی تطبیقی تئوری

عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) و غرب». صرف نظر از اشتباه در ترسیم فضای مقایسه‌ای در

این پژوهش، اطلاق واژه «تئوری» بر کلام معصوم (علیه السلام) همانند اطلاق واژه فرضیه

صحیح نمی‌باشد.

فرضیه یکی از رساله‌های پژوهشی «محبت در قرآن» به این شیوه طراحی شده بود: «به نظر

می‌رسد؛ نیروی شگفت‌انگیز محبت است که انسان را به کمال و درجات والای قرب الهی

می‌رساند.» در این فرضیه، استفاده از واژه «شگفت‌انگیز»، بی‌مورد است. همچنین، نیازی به

عبارت «به نظر می‌رسد» نمی‌باشد. زیرا انتخاب جمله فوق به عنوان فرضیه اصلی، این معنا را به

شکل گویاتری می رساند.

۵- باید بتوان فرضیه را با روش معتبری، مورد بررسی قرار داد. برای درک این مسئله با دقت به این مثال ها، توجه شود.

- * منطق ارسطویی در تکوین علم نحو عربی، تاثیرگذار بوده است.
- * باور دینی در شکل گیری هنر ایران باستان، تاثیرگذار بوده است.
- * میان کاربرد وسایل کمک آموزشی بر یادگیری قرآن کریم، رابطه علی، موجود است.
- * عدم تفکر و تحقیق در مراکز علمی دینی، منجر به کاهش سطح اعتقادات جامعه می شود.
- * (براساس آیات الهی) روش شناخت کفار بر اعراض ایشان از دعوت الهی، تاثیرگذار بوده است.

با کمی دقت در این فرضیه ها، متوجه می شویم که نیازمند تعریف هریک از پاسخ ها در فضای روشی آن هستیم. در مثال اول، نیازمند تعریف فرضیه در فضای استدلال نحوی در قالب مقایسه با منطق ارسطویی می باشیم. مثال دوم با بررسی تاریخی و براساس یافته های باستان شناسی همراه می شود. فرضیه سوم و چهارم در قالب مطالعه عملی تعریف شده و از نتایج مطالعات آماری استفاده می کند. فرضیه پنجم در حوزه روش تفسیری قرآن، معنا می یابد. همواره در تعریف فرضیه خود به تناسب شیوه استنباط آن با علم، توجه نمایید.

۶- فرضیه در پژوهش های تحلیلی متضمن روابط علی و معلولی، مدنظر می باشد. به این مثال ها توجه نمایید:

- * هر چه روحیه «تجمل گرایی» در انسان، افزایش یابد، به همان نسبت، ایمان دینی در آن جامعه کاسته می شود.
- این فرضیه، بیان می کند که تجمل گرایی «تاثیرگذار» بر ایمان دینی (تاثیرپذیر) است. به جهت بررسی فرضیه بنا بر تعریفی که از آن نموده ایم، در قالب مطالعه عملی در جامعه و یا به صورت بررسی در متون دینی و یا در شکل مطالعه ای تاریخی، بدان می پردازیم.
- * سنت «وقف» بر گسترش معارف شیعی در عصر صفویه، تاثیرگذار بوده است.
- در این فرضیه سنت «وقف» تاثیرگذار و گسترش معارف شیعی، تاثیرپذیر است.
- * پیدایش حجیت اجماع نزد اهل سنت، متأثر از جریان سیاسی سقیفه بوده است.
- در این مثال جریان سیاسی سقیفه به عنوان تاثیرگذار، منجر به پیدایش «حجیت اجماع» (تاثیرپذیر) شده است.

* «عدم صدق قرائت قرآن در مورد ترجمه آن منجر به تحریم ترجمه قرآن، از دید زرکشی شده است.»

در این مثال از آنجا که «زرکشی» معتقد به عدم صدق قرائت قرآن در مورد ترجمه آن است (عامل نظری) پس به تحریم ترجمه قرآن، سوق داده شده است.^۷

* عدم تعریف دقیق از واژه صحابه، منجر به انحراف علم حدیث می‌گردد.
اثرگذار = عدم تعریف واژه صحابه

اثرپذیر = انحراف علم حدیث

در اینجا لازم است تا نمونه‌ای از فرضیه‌هایی که دارای رابطه علی نمی‌باشند را نیز بیان نماییم.
* قرآن، کتابی صامت است. در مقابل «قرآن، کتابی ناطق است.»

* در مطالعات شرق‌شناسی، پیش‌فرض فکری غربی بر منابع اسلامی، تحمیل شده است.
تاکید می‌شود که محقق تا پیش از بررسی پاسخ پرسش خود از طریق روش مناسب آن، باید از حکم به صحت آن، خودداری نماید.

۷ - (در صورت لزوم) فرضیه خود را بنا بر متغیرهای مکمل به دیگر فرضیه‌ها، پیوند دهید.

در طراحی فرضیه، همواره از خود پرسید که آیا در تحلیل مسئله به اندازه کافی از متغیرهای مکمل یکدیگر استفاده نموده‌اید یا خیر؟ هیچ‌گاه یک متغیر را چنان بزرگ نکنید که قادر به دیدن دیگر متغیرها و جنبه‌های مسأله، نباشید.

در این شیوه از فرضیه‌نویسی، می‌توان مجموعه‌ای از متغیرها را در قالب یک فرضیه بیان نمود و یا اینکه آن را به شیوه چند فرضیه، بیان نمود. در این حالت به ازای هر متغیر با یک فرضیه، سر و کار داریم.

مثال:

علل سیاسی رواج شرق‌شناسی در شمال آفریقا در قرن ۱۹ عبارت است از:

۱. به فرمانروایی رسیدن حکمرانانی متأثر از فرهنگ اروپایی
۲. سیاست تبلیغ دینی و اشاعه فرهنگ مسیحی / اروپایی در جوامع اسلامی
۳. ضعف خلافت عثمانی
۴. اشغال الجزایر توسط فرانسه
۵. حمله ناپلئون به مصر

اسلوب های نگارش فرضیه:

برای طراحی فرضیه، روش های مختلفی، موجود است که بسته به سلیقه و اقتضای تحقیق خویش از آن، استفاده می نمایم.

یکی از شیوه های مناسب در ایجاد مهارت در ساخت فرضیه، مطالعه «آگاهانه» کتاب های برجسته دینی با هدف شناخت نحوه استدلال، شیوه طبقه بندی موضوعات علمی و روابط علی و معلولی مدنظر نویسنده می باشد. ممکن است در یک صفحه از کتابی، دهها رابطه علی و یا چندین نظام طبقه بندی به همراه پیش فرض های «نهفته» در متن باشد که تنها در مطالعه ای دقیق - همراه با یادداشت برداری - قابل شناسایی شوند. این روش مطالعاتی، قابلیت های بسیار خوبی در جهت فرضیه سازی، ایجاد می نماید.

پیش از نگارش فرضیه، به این توصیه ها، توجه نمایید:

در تعیین محدوده فرضیه، افراط و تفریط نکنید. فرضیه خود را در حد توانایی خود، طراحی نمایید.

اولین پاسخ شما به پرسش تحقیق، آخرین پاسخ شما نباشد. سعی کنید در قبال هر پرسش علمی چندین پاسخ منطقی، ارائه نمایید. ممکن است که فرضیه شما در نهایت ترکیبی از مجموعه فرضیات اولیه شما، باشد. کوشش کنیم که در قبال مسایل مختلف، دارای وسعت نظر گردیم. اگرچه در پاسخ به پرسش های خود نیازمند به کارگیری خلاقیت می باشیم، اما بدون مطالعات اولیه «کافی» نمی توان خلاقانه عمل نمود. پیش از هر کاری، ابتدا «مطالعه» نمایید. شیوه های بیان فرضیه:

در این بخش به بیان چند شیوه بیانی فرضیه و نکاتی در باب بررسی درستی طراحی آن اشاره می نمایم. توجه شود که مثال ها، صرفاً به منظور آموزشی بیان شده اند.

الف - شیوه اول:

— در تکوین / در ایجاد / در شکل گیری — اثرگذار است.

بیان چند مثال از این شیوه:

- * تدوین «نهج البلاغه» در شکل گیری الهیات سیاسی شیعه، تاثیرگذار بوده است.
- * آموزه های نهج البلاغه در روش تفسیری علامه طباطبایی، اثرگذار بوده است.
- * روش تفسیری «ابن تیمیه» بر سیر شکل گیری تفسیر نگاری در مکتب خلفاء، تاثیرگذار بوده است.

- * اختلاف قراءات در ایجاد اختلاف در تفسیر قرآن، اثرگذار بوده است.
- * قرائت «نافع» بر تفاسیر قرآن، تاثیرگذار بوده است.
- * به کارگیری روش هرمنوتیک در تفسیر نصوص دینی، منجر به تبدیل حکم‌شناسی به شرایط‌شناسی می‌شود.
- * خواندن آیات قرآن کریم بر کاهش درد بیماران، اثرگذار است.

ب - شیوه دوم:

میان — و — رابطه موجود است.

مثال‌ها:

- * میان مشرب فلسفی ابن سینا و تفاسیر وی از آیات قرآن، رابطه موجود است.
- * میان رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه و افول قدرت سیاسی، رابطه موجود است.
- * میان مشرب صوفی‌گری ابن عربی و تفسیر رمزی وی از قرآن، رابطه موجود است.
- * میان مذهب اعتقادی دانشمندان علم نحو و شیوه استدلال نحوی ایشان، رابطه موجود است.

ج - شیوه سوم:

وجوه اشتراک / اختلاف میان — و — در زمینه (یا از دیدگاه) — عبارت است از: — (وجوه فوق به اندازه کافی بیان شود).

مثال:

وجوه اختلاف میان روش موضوعی و روش تجزیه‌ای در تفسیر قرآن از دیدگاه آیت الله سیدمحمدباقر صدر عبارتند از:

۱. نقش فعال مفسر در روش موضوعی / نقش منفعل مفسر در روش تجزیه‌ای
۲. حرکت تفسیر در روش موضوعی از واقعیت خارج، آغاز و به قرآن ختم می‌شود. / حرکت تفسیر در روش تجزیه‌ای از قرآن، شروع و به آن ختم می‌شود.
۳. تفسیر در روش موضوعی پایان‌ناپذیر است. / تفسیر در روش تجزیه‌ای، پایان‌پذیر است.^۴

توجه:

در این شیوه، بدون نگرانی از تعدد وجوه، آنها را بیان نمایید. بیان کافی موارد مورد نیاز فرضیه در واژگانی سنجیده و متناسب، نقطه قوت پژوهش، محسوب می‌شود.

نکته:

گاه ممکن است، محقق قادر به بیان فرضیه‌ای در یک مطالعه مقایسه‌ای نباشد. به عنوان مثال

ممکن است پرسش فردی چنین باشد: وجوه اشتراک و اختلاف نظر فراء و اخفش درباره «زیادت و حذف» در کتاب معانی القرآن ایشان، چیست؟ در وضعیتی که محقق، قادر به بیان احتمال اولیه نمی باشد، باید به جای فرضیه، به تعیین دقیق محدوده پاسخ پرسش که در این نوع سوالات شامل سه بخش طرفین مقایسه و وجه مقایسه است، پردازد. پس به جای فرضیه به تعیین حدود پاسخ احتمالی می پردازیم:

وجه مقایسه: «زیاده و حذف»

طرفین مقایسه: کتاب معانی القرآن «اخفش» و کتاب معانی القرآن «فراء» می باشد.

د - شیوه چهارم

هرچه — بیشتر (/ کمتر) شود، پس — بیشتر (/ کمتر) می شود.

مثال:

* هرچه «روحیه تجمل گرایی» در یک جامعه بیشتر شود، پس به همان میزان، از رفتارهای معنوی «اعضای جامعه، کاسته می شود.

در این اسلوب با «قانون علمی» سر و کار داریم. به جهت صحت فرضیه خویش، نیازمند محدود ساختن آن هستیم. لذا به جای یک جامعه، باید به مکان مدنظر خود اشاره نماییم. این مکان، می تواند با توجه به قصص قرآنی شامل یکی از امت های پیشین باشد و یا در یک بررسی عملی شهر تهران، انتخاب گردد. همچنین، باید مراد خود از رفتار معنوی را با تعریف دقیق به همراه مثال های کافی برای آن، بازگو نمود.

* هرچه میزان استفاده از وسایل کمک آموزشی در مدارس، افزایش یابد، به همان میزان یادگیری آنها، ارتقا داده می شود.

ح - شیوه پنجم:

— به صورت — است.

این شیوه، ساده ترین شکل یک فرضیه توصیفی بوده که در آن به تشریح علل مساله، پرداخته نمی شود. گاه، پژوهشگر بنا بر نوع پرسش خود، از این نوع فرضیات، استفاده می نماید. در اینجا، نمونه ای از فرضیات را از نگرش های مختلف، بیان می نماییم. بخش بزرگی از پژوهش هایی که به بیان تقسیم بندی و طبقه بندی موضوعی می پردازند، در این شیوه از فرضیه، قرار می گیرند. در این جا به نمونه هایی از این فرضیات، توجه نمایید:

* اسلام از دید تشیع دارای پنج رکن اساسی است: ۱. اصول عقاید ۲. اخلاقیات ۳. موضوعات

۴. احکام اولیه ۵. احکام ثانویه
- * تنها مذهب و نه علوم طبیعی، قادر به تعیین هدف زندگی برای انسان است.
- * قرآن، کلامی ناطق است.
- * قرآن عصر حاضر، همان قرآن نازل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.
- * تفسیر قرآن براساس آرای مفسران گونه‌ای از تفسیر به رای است.

و - شیوه ششم:

علل — عبارت است از:

— (متغیرها به تعداد کافی آورده شوند).

مثال:

علل «عدم تولید علم» در رشته های علوم انسانی در ایران عبارت است از:

۱. (عدم وجود) سنت فکری پیوسته بومی
۲. (عدم طرح) موضوع واقعی تحقیق
۳. تعمیم شرایط غرب بر تاریخ و فرهنگ ایران
۴. (عدم استفاده از) روش شناسایی مطلوب
۵. (عدم اعتقاد به) کار گروهی علمی

فرضیه رقیب:

فرضیه رقیب، توضیح دیگری از مسئله است که از نظر منطقی در مقابل فرضیه اول، به کار می رود. به عبارت دیگر، می توان نسبت فرضیه اصلی با فرضیه رقیب را چنین بیان نمود:

یا فرضیه اصلی و یا فرضیه رقیب

نکته ۱

ممکن است فرضیه اصلی ما در پایان پژوهش «رد» و یا «اصلاح» شده و یا حتی با فرضیه رقیب «ادغام» شود. هیچ گاه نسبت به فرضیه پژوهش خویش، تعصب بی مورد، نشان ندهید، تاکید می شود که فرضیه مادامی که با روش صحیح علمی مورد بررسی قرار نگرفته باشد، «علم» نیست

نکته ۲

فرضیه اصلی و فرضیه رقیب - هر دو - ظن و غیر علم می باشند. اما علت انتخاب یکی به عنوان فرضیه اصلی، براساس جدی تلقی کردن و نزدیک به علم دانستن آن، از سوی محقق است. در

ادامه به برخی دیدگاه ها - که در مقابل هم قرار می گیرند - اشاره می نمایم. به جهت تمرین عملی، آنها را به صورت دو فرضیه در مقابل هم، مطرح نمایید:

نکته ۳

هرچند که با بیان معکوس فرضیه اصلی، می توانید فرضیه رقیب خود را بسبببازید اما توصیه می شود که فرضیه رقیب خود را از موضوعات زنده و از دیدگاه های مقابلی که در عرصه مباحث دینی و فرهنگی موجود است، انتخاب نمایید. مانند دیدگاه صامت بودن قرآن در مقابل ناطق بودن آن.

بیان برخی مواردی که نیازمند طراحی فرضیه نیست:

* آن دسته از پژوهش های مقایسه ای که پژوهشگر قادر به بیان فرضیه تا پیش از انجام مقایسه نباشد. به عبارت دیگر، سطح آگاهی های اولیه پژوهشگر از موضوع، وی را قادر به پاسخ دادن به پرسش نمی گرداند. در این حالت - چنانکه پیش تر بیان نمودیم - به جای فرضیه، محدوده دقیقی را که پاسخ پرسش در آن، موجود است، مشخص می نمایم.

* پژوهش هایی که مربوط به تصحیح کتاب های خطی مانند: الناسخ و المنسوخ اثر ابو عبدالله اسفراینی می باشند. (رساله ای در دانشگاه تهران)

* برخی از پژوهش هایی که به صورت ترجمه و تحقیق می باشند، نیازی به طرح فرضیه ندارند. مانند: ترجمه و تحقیق «الخراج و الجرائح» اثر ابوالحسن سعید بن هبة الله مشهور به قطب الدین راوندی (رساله ای در دانشگاه تهران)

* نگارش فرهنگ ها و دائرة المعارف ها در درجه اول، نیازمند تشریح دقیق روش شناسی آن است. در صورتی که هدف نویسندگان آن اثبات یا برتری دادن نظریه ای مثلا در زبان شناسی نباشد، نیازمند فرضیه نمی باشد.

پا نوشت ها :

۱. جمیل صلیبا؛ فرهنگ فلسفی. (ترجمه) منوچهر صناعی دره بیدی. تهران (چاپ دوم) موسسه انتشارات حکمت، ص ۴۵۰.

۲. رجاء وحید دویدری؛ ۲۰۰۲، البحت العلمی اساسیاته النظریة و ممارسته العلمیة. دمشق (الطبعة الاولى) دارالفکر، ص ۱۰۹ و نیز رجوع شود به : Oxford Advanced Learners dictionary of current English ذیل واژه های مذکور.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی : ترجمه تفسیر المیزان (ترجمه) سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی (حوزه علمیه قم) ج ۲، ۱۳۶۳، ص ۳۷۱ و ۳۷۳.

۴. به جهت تحقیق بیشتر مراجعه شود به: عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم - معرفت شناسی در قرآن (تنظیم و ویرایش) حمید پارسایا. تهران (چاپ دوم) ۱۳۷۹، مرکز نشر اسراء، ص ۱۵۹ الی ۱۹۱ (فصل پنجم با عنوان: «مصادره‌ها، اصل موضوعی و معرفت‌های مبتنی بر فرض و فصل ششم با عنوان ثبات قضایای یقینی و دگرگونی تاریخی علم)
۵. محمدالعربی الخطابی، مجموعه مفیدی از تعریف علم در سنت های اسلامی را در این منبع گردآوری نموده است: محمدالعربی الخطابی، موسوعة التراث الفکری العربی الاسلامی. نصوص رائدة مع مدخل تحلیلی و مقدمته نقدیه، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۹۹۸، دارالغرب الاسلامی، ج ۲، ص ۵۴۱ - ۵۸۶.
۶. رجوع شود به: سیدشرف الدین، رهبری امام علی علیه السلام از دیدگاه قرآن و پیامبر. (ترجمه) محمدجعفر امامی، انتشارات اسلامی وایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۰، ص ۳۶ و ۸۹، نامه هفتم و نامه سیزدهم، نامه هفتم «سلیم بشری» چنین است: ۱. بینه و دلیل از کلام خدا و پیامبر بیاورید. دلیلی که شاهد گفته شما بر وجوب متابعت ائمه اهل بیت(ع) باشد و در این بحث ما را از پذیرفتن سخن غیر خدا و رسول معاف دار. ۲. چه اینکه سخنان ائمه شما، نمی تواند دلیلی در برابر مخالفان آنها باشد، زیرا همانطور که می دانید احتجاج به سخنان آنها در این مورد مستلزم دور است. پاسخ شرف الدین، او را غرق شگفتی می کند.
۷. در این زمینه رجوع شود به: عباسعلی عمید زنجانی، مبانی و روش های تفسیر قرآن. تهران، چاپ چهارم: ۱۳۷۹، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.
۸. به جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به: سیدمحمدباقر صدر: سنت های تاریخ در قرآن. (ترجمه) سیدجمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۱، انتشارات تفاهم.